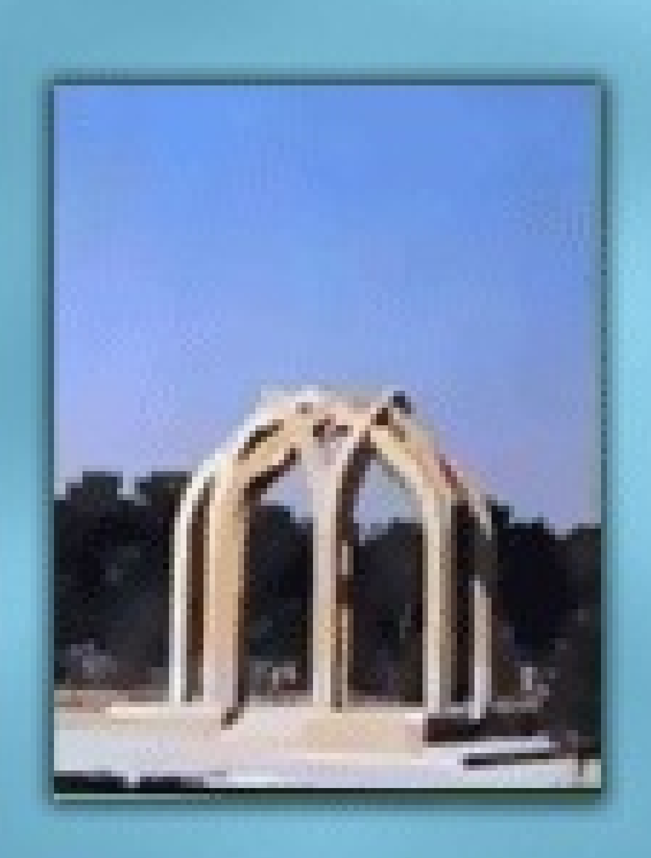
علامه ملا محمد اسماعیل خواجویی مازندرانی اصفهانی



.... مهدی آقابابایی ....


بسم الله الرحمن الرحیم

علامه ملا محمد اسماعیل خواجویی مازندرانی اصفهانی

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علامه ملا محمد اسماعیل خواجویی مازندرانی اصفهانی

مشخصات کتاب

علامه ملا محمد اسماعیل خواجویی مازندرانی اصفهانی

مهدی آقابابایی

مقدمه

مقاله‌ای که پیش رو دارید پیرامون، یکی از بزرگترین فقهاء، مجتهدین، علما و عرفای الهی اصفهان حکیم مولی اسماعیل بن محمد حسین بن محمد رضا مازندرانی اصفهانی می‌باشد که به جهت سکونت در محله خواجو به خواجویی شهرت یافته است. وی حلقه‌ی ارتباط حوزه‌ی علمیه اصفهان در عهد صفوی و دوره‌ی قاجاریه است. به عبارت دیگر وجود ارزشمند این عالم موجب گردید فلسفه‌ی غنی و پربار عصر صفویه که با هجوم افاغنه در معرض نابودی قرار گرفته بود حفظ شود و با رساله‌های پرشمار و شاگردان بزرگی که تربیت نمود به دوره‌ی قاجاریه منتقل گردد.

ملا اسماعیل خواجویی از احیاگران حکمت و فلسفه در اصفهان پس از حمله افاغنه به این شهر به شمار می‌آید. (۱)

از لحاظ موقعیت مکانی نیز این تکیه در قسمت لسان الارض تخت فولاد قرار گرفته و در بین تکایای موجود در تخت فولاد از تقدس و احترام ویژه‌ای برخوردار است. در سال ۱۳۷۸ ه. ش به منظور احترام و بزرگداشت مقام ملا اسماعیل خواجویی بقعه‌ای با سبک معماری امروزی بر مزار آن علامه فقید ایجاد گردید که در ساخت آن از مصالح بتون و آجر تزیینی استفاده شده است.

این تکیه در ردیف اولین تکایای تخت فولاد به شمار می‌آید که بیشترین عالم مدفون در حوزه‌ی فلسفه و حکمت را در خود جای داده است. (۲)

صاحب حدیقه الشعراء می‌نویسد:

یکی از بزرگترین علمای عصر افشاریه است که در بین علمای مدفون در تخت فولاد صاحب بیشترین کتاب و رساله‌ی علمی می‌باشد چنانکه در برخی منابع بیش از سیصد اثر بر وی نام برده‌اند. (۳)

ولادت

سال تولد این عالم بزرگ به درستی مشخص نیست ولی به نوشته‌ی غفاری، سن شریف او هنگام وفات از هشتاد سال متجاوز بوده است. وی می‌نویسد: «چون سن شریف آن جناب معلوم و مسوّد اوراق نبود از آن جهت به ذکر آن مبادرت ننمود نهایت از تلامذه آن جناب و کسانی که به خدمت ایشان فایز گردیده بودند معلوم نمود عمر ایشان از هشتاد متجاوز بود.» (۴) بنا بر این می‌توان حدس زد که در حدود سال ۱۰۹۰ به دنیا آمده است. (۵)

مقامات و احوال علامه ملا اسماعیل خواجویی

ایشان در حکمت، فقه، تفسیر و حدیث صاحب نظر بود و در عبادت نیز اشتغال بسیار داشت.

زاهد، گوشه نشین و عزلت گزین بود، از مردمانی که برای دنیا، تحصیل علم می‌نمود نفرت داشت. در عمل به سنت‌های پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرو گذار نبود و اخلاص تمام به ساحت ائمه‌ی اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَام داشت. در انجام هر عملی نیز قصد

قربت می‌نمود و از غیر خدا قطع نظر داشت و در اجرای احکام الهی نیز تلاش بسیار می‌نمود.

ارزش تألیفات وی در آن است که زمانی به نگارش آن آثار محققانه پرداخت که علماء و بزرگان دین مورد هجوم شدید افغان‌ها قرار گرفته بودند و تمرکز حواس و حال تحقیق از دانشمندان رفته بود. اما در این زمان علامه خواجویی با نگارش چنان آثار ارزشمندی در کلیه علوم اسلامی توانست خلأ تألیفات و تحریر را در این دوره‌ی آشوب و هرج و مرج پر نماید. در مقدمه‌ی حاشیه‌ی اربعین شیخ بهایی نوشته است:

«... من این کتاب را زمانی گرد آوردم که تن و جان مردم همه کِدِر و تیره گشته بود و ریختن خون مؤمنان حلال گشته و زن‌ها و ناموس مردمان به دست ستمگران و کافران افتاده و باران بلا و ستمگری از همه سو می‌بارید.» (۶)

در برخی از منابع نیز از وی به عنوان «معلم ثالث» یاد شده است. که نشان از موقعیت علمی والای وی دارد. (۷)

از علما و عرفای معروف زمان خود و بعد از خود بوده که معاریف علما و حکمای زمان بعد، نسبت اسنادشان با اوست، مانند ملا مهدی نراقی کاشانی و آقا محمد بید آبادی و میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی و ملا محراب حکیم و غیر از اینها بزرگان علماء و حکماء.

ملا اسماعیل خواجویی خط را خوب می‌نوشته و علاوه بر مراتب علمیه و مکارم ظاهره دارای مقامات روحانی بوده که معاصرین او نسبت به او اظهار اراده داشتند، حتی نادرشاه که حالت تصلّب او معلوم است باز به آخوند ملا اسماعیل خواجویی ارادت می‌ورزیده و به احترام او قیام می‌کرده، حتی محله‌ی خواجو و بستگان او را از تحمیلات خود [که] یکی از اسباب خرابی آخری اصفهان شد معاف می‌داشته [است]. (۸)

در منشأ احترامات نادرشاه از او معروف است یک حکایتی که وقتی مردم از آخوند به اصرار خواهش کردند که پیش نادر شاه توسط کند و رفع تعدّیات او را بنماید، آخوند بدون مضایقه با این که در آن وقت شهرتی نداشت، خصوص در دربار، برخاست و به منزل نادر رفت و اتفاقًا هیچ کجا از او جلوگیری نشد تا وارد بر شخص نادر شاه شد و نادر هم در ملاقات او از جای خود بلند شده بود و به او احترام زیادی کرد و توسطات او را پذیرفت، وقتی که آخوند از منزل نادر خارج شد از اطرافیان خود سؤال می‌کند که چرا آخوند را راه دادی که بر من وارد شود، گویند میرزا مهدی خان جواب داده بود به همان سبب که شخص شما از او استقبال و احترام کردید؛ نادرشاه زیاد اصرار حیرت می‌کرده است از هیبتی که از آخوند به او و اطرافیانش اثر کرده بود.

موقعی هم نادر شاه به منزل او رفته و با او غذا خورده است که فقط نان و ماست بوده، پس از صرف ناهار از آخوند ظرف ماستی می‌خواهد آخوند به عذر این که شیر گاو ما فردا سهم شریک ماست و ما حق نداریم تا پس فردا، فرستادن کاسه‌ی ماست را جهت نادر، موکول به دو روز بعد می‌نماید.

نظیر این قضیه، قضایای دیگری از کرامات آخوند یا اخلاق او در افواه مشهور است، بالاجمال تفصیل حالات آخوند که نزد کسی تحصیل نموده غیره، منضبط نیست و عمده‌ی سبب کمی شهرت او تصادف اوست با زمان انقلابات اواخر صفویه به بعد و مسلمًا مراتب او از هر حیث بیشتر از معاریف آن دوره بوده است. وفات او در سنه ۱۱۷۳ و قبر او نزدیک مقبره‌ی فاضل هندی در وسط سایر قبور واقع است. تألیفات او در فقه و رجال و کلام و عرفان و غیره بسیار می‌باشد. (۹)

شخصیت علامه خواجویی

عالم ربانی و فقیه صمدانی، حکیم متالّه و محدث کبیر از بزرگان علما و دانشمندان عهد نادری که در جامعیت علم و عمل و زهد و عرفان و احاطه در انواع فنون عقلی و نقلی بسیار کم نظیر است.

مرحوم علامه وارسته و فقیه نامی، ملا محمد اسماعیل خواجویی (قدس سره) که سراسر عمر شریف خود را در راه تحصیل علم و

نشر آن سپری نمود و با آثار ارزشمند خود روح تازه‌ای به کالبد علم و فقاهت دمید، توانست در عصری که با هجوم دشمنان قسم خورده‌ی اسلام به مرکز تشیع می‌شد، مبانی اصیل تشیع را حفظ نماید و با نوشتن آثار بسیار محققانه و گران سنگ به روند تحقیق و پژوهش در مجامع علمِی و فرهنگی رونق تازه‌ای بخشید.

نام شریف او محمد و مشهور به اسماعیل فرزند محمد حسین فرزند محمد رضا فرزند علاء الدین محمد مازندرانی اصفهانی مشهور به خواجوییست.

شهرت وی به مازندرانی از این جهت است که اصالت ایشان از مازندران و شاید ولادت آن بزرگوار در منطقه مازندران بوده است اما تاکنون معلوم نشده که از کدام شهرهای مازندران می‌باشد و در هیچ یک از آثار او دیده نشده که محل ولادت و نیاکان خود را نام ببرد و در اکثر آثار خویش خود را مازندرانی معرفی می‌نماید.

اما شهرت وی به اصفهانی برای آن است که محل نشو و نما و کلیه‌ی مراحل تحصیل علم و تألیف را در شهر اصفهان سپری نموده، تا آن که در شهر مذهبی اصفهان، دیده از این جهان بربست و در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

شهرت وی به خواجویی نیز به جهت آن است که او در واقعه‌ی هجوم افغان‌ها به اصفهان در سال ۱۱۳۳ ه. ق و تخریب این شهر به دست نابکار آنها و هتک حرمت علماء و دانشمندان و به شهادت رسیدن جمعی از آنها و مفقود شدن جمعی دیگر، به محله‌ی خواجو که در آن زمان خارج از شهر اصفهان بوده پناه برد و در آن محل اقامت گزید و از این جهت به خواجویی شهرت یافت.

نام بلند علامه خواجویی در اکثر تراجم با کمال تکریم ذکر شده و از مقام شامخ علم و تحقیق او نیز به نحو شایسته‌ای یاد شده است. از آثار گران سنگ وی نام برده شده است. (۱۰)

مقام علمی شیخ

سخنان دانشمندان درباره‌ی شخصیت علامه خواجویی

[۱] – علامه مرحوم شیخ عبدالنبی قزوینی

که از علمای هم عصر مرحوم خواجویی بوده در کتاب «تتمیم الامل الآمل» درباره‌ی شخصیت وی چنین می‌نگارد:

«علامه خواجویی یکی از دانشمندان و فرزانگانی است که تا عمق علوم و معارف رسید و میان علما مشهور به فضل گشت، هر عالم و جاهلی شخصیت والای وی را شناخت. او زمام تحقیق کامل را به دست گرفته، به طوری که هر فاضلی بدان اعتراف نموده است.»

او یکی از پهلوانان کلام و فحول علم می‌باشد و زیادی فضلش گویای امواج دریاهاست و کوه‌های سر به فلک کشیده در مقابل علم و فهمش همچون نقطه‌ای می‌باشد.

از یکی از ثقات و بزرگان شنیدم که ایشان کتاب شفای ابن سینا را ۳۰ مرتبه ملاحظه فرموده، یا به خواندن و یا به تدریس و یا به مطالعه، از دیگری شنیدم که گفت: از کتاب شفای من چند ورق افتاده بود علامه خواجویی آن را از حفظ بیان فرموده سپس آن را با نسخه صحیح مقابله نمودم، کاملًا صحیح بود، مگر در یک حرف یا دو حرف که تفاوت داشت.

همه‌ی کتب حکمت و کلام و اصول پیش وی بسیار آسان بود، تا آنجا که مورد تعجب علما و دانشمندان و فرزانگان قرار گرفت، آنها با خود چنین می گفتند: «ان هذا لشیء عجاب، ان هذا لشیء یراد».

آن بزرگوار به این گونه@ توغل در حکمت و معرفت تام داشت. در فقه و تفسیر و حدیث و در تمام این گونه علوم صاحب تحقیق بود و آیتی عظیم از آیات الهی و حجتی از حجج بالغه‌ی الهی بود.

با این همه، به عبادت اشتغال بسیار داشت، زاهد، گوشه نشین و عزلت گزین بود. از مردمانی که برای دنیا، تحصیل علم می‌نمود

نفرت داشت. در عمل به سنت‌های پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کرد و اخلاص بسیار به ساحت حضرات ائمه‌ی اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَام داشت.

در محکم نمودن عقاید راستین اصرار شدید می‌ورزید و دارای همت بلند در اجرای حدود الهی بود. (۱۱)

۲ – مرحوم محقق خوانساری

در کتاب رُوضاتُ الجَنَّات درباره‌ی شخصیت وی چنین می‌گوید:

عالم جلیل مولانا اسماعیل خواجویی، عالمیست بارع و حکیمیست جامع و ناقدیست بصر و محققیست نحریر. از اجلای متکلمین و فقهای@ اذکیاء است. دارای هوشی سرشار، فطرتی شریف، نفسی سلیم، هیبتی عظیم و روحی قویست و نیز قلبی پاک، درون تزکیه شده، زهدی فراوان و اخلاقی پسندیده دارد و مستجاب الدعوه و بی‌ادعا می‌باشد و در دیده‌ی پادشاهان و اعیان عظیم و سربلند است. نادرشاه با آن سطوت و صولتی که داشت به کسی از علمای عصر خود اعتنایی نداشت، اما در مقابل شخصیت والای علامه خواجویی خاضع بوده و دستورات و اوامر وی را بی‌چون و چرا اجرا می‌نمود. این خود نتیجه‌ی زهد وی بود. از خوراک و نوشیدنی و لباس به اندکی بسنده می‌کرد و از غیر خدا قطع نظر داشت و در آنچه می‌کرد قصد قربت می‌نمود.

سپس چنین می‌نگارد:

«این شیخ جلیل القدر متأسفانه در بد زمانی قرار گرفت، زمانی که به جهت استیلای افغان بر ممالک ایران علم و دین یاری نمی‌شد و روزگار حلال شمردن ناموس و خون و اموال شیعیان در همه جا، مخصوصاً اصفهان بود. این امور سبب شد که نامی از این مرد بزرگ در میان اصحاب نماند و بدین جهت تاریخ ولادت و اساتید و شاگردان ایشان معلوم نیست و آثار ارزشمندش مفقود گردیده است. آن بزرگوار مَحبَّت بسیاری نسبت به سادات و اولاد حضرت زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا داشت و کمال اخلاص خود را نسبت به ایشان ابراز می‌نمود او دارای مقام بلند و کرامات باهره بود. همچنین دست خط آن بزرگوار به دو گونه نسخ و نستعلیق، بسیار زیبا و خوش باقی مانده است. (۱۲)

آشوب افغان

افغان‌ها در سال ۱۱۲۲ ه. ق به ایران یورش بردند و در سال ۱۱۳۵ ه. ق موفق به استیلای بر ایران شدند این استیلاء تا ۱۱۴۲ ه. ق به درازا کشید. در این سال‌ها از بی‌تدبیری حاکمان ایران و سبعیت مهاجمان، ایران در نکبت و بدبختی فرو رفت و هراس، گرسنگی، ناامنی و ستم همه جا را فرا گرفت.

مرحوم ملا اسماعیل خواجویی، در متن این فتنه‌ها زندگی می‌کرد و رنج‌ها و مصیبت‌ها و بلاهای فراوانی را تحمل نمود. علماء و بزرگان فراوانی در این واقعه‌ی بزرگ مورد حمله قرار گرفتند، که بعضی از آنها به درجه‌ی شهادت واصل و جمعی از آنها بعد از این واقعه مفقود شدند و هیچ اثری از آنها تاکنون به دست نیامد. جمعی دیگر از آنها برای همیشه از اصفهان هجرت نمودند.

شهر اصفهان که مرکز حوزه‌ی علمیه تشیع بود و مملو از بزرگان و دانشوران، پژوهشگران و محققان بود، از آنها خالی گردید. مراکز علمِی و فرهنگی فراوانی در این شهر ویران شد و کتابخانه‌های عظیم اصفهان نیز دست خوش این حوادث دردناک قرار گرفت.

مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (قدس سره) در این باره می‌فرمود: «منبع سوخت یکی از حمام‌های بزرگ اصفهان مدت‌ها از کتاب‌هایی بود که از کتابخانه‌های عمومِی و شخصی گرد آوری شده بود.»

باری بعد از فتنه‌ی چنگیز، ایران و ایرانیان مانند چنین بلایی را به یاد ندارند.

علامه خواجویی در قلب این وقایع دردناک توانست با همت والای خود و نیز با تحصیل، تدریس، تألیف و تحقیق اندکی از این خلأ را پر نماید و در این راستا متحمل رنج‌های فراوانی شد.
او در پایان کتاب «الاربعون حدیثًا» که یکی از آثار برجسته و محققانه‌ی وی می‌باشد، درباره‌ی این واقعه‌ی بزرگ چنین می‌نویسد: این کتاب را در زمان و مکانی گرد آوردم که دیده‌ها و دل‌ها پریشان می‌گشت و خون مؤمنین ریخته می‌شد و عرض و ناموس مردم هتک می‌گردید و اموال و اولاد مردم به غارت و اسیری می‌رفت و دریای انواع ظلم و ستم موج می‌زد و ابرهای پی در پیِ ناراحتی‌ها و غم‌ها سایه افکنده بود، زمان هرج و مرج و فتنه بود، همه مضطرب و ناراحت، فکرها مشغول و مشوش بود، در چنین حالی بود که این کتاب را تألیف نمودم.
همچنین در پایان کتاب «مِفْتَاحِ الْفَلَاحِ و مِصْبَاحُ النَّجَاحِ» در شرح دعای صباح می‌نویسد:
«این شرح را در آغاز جوانی شروع کردم و در انتهای پیری به پایان بردم، در حالی که عمرم به تاراج رفت و مرگم نزدیک شد. دلیل این به درازا کشیدن، گرفتاری‌ها و مرارت‌هاییست که شرحش موجب طولانی شدن مطلب می‌شود و خردها را هراسان می‌سازد و باعث پریشانی خاطر دوستان می‌گردد، فقط به خدا و پیامبرش و نیز خاندان او شکایت می‌برم.»
علامه خواجویی از ابتدای فتنه تا پایان آن، در فاصله بسیار نزدیک در کنار شهر اصفهان می‌زیست و تمام رویدادها را زیر نظر داشت و این ناراحتی‌ها و مصائبی که جامعه‌ی اسلامی را در بر می‌گرفت، نظاره‌گر بود و می‌دید شهری که از علماء و بزرگان مملو بود چه بر سر او می‌آید و از آن امنیت و الفت که در میان مردم بوده هیچ خبری نیست و هر کسی در مقام نجات خود و زن و بچه‌های خود می‌باشد و با وجود این ناراحتی‌ها توانست مقاومت نماید و چهره‌ی درخشان پرفروغی از خود در صفحه تاریخ بگذارد. (۱۳)

اساتید و مشایخ او

اشاره

متأسفانه نام تمام مشایخ او و شرح همه‌ی مراحل تحصیلی که در اصفهان طی نموده به دست ما نرسیده است، علت آن، همان قرار گرفتن آن بزرگوار در تمام دوران فتنه افغان است، به جز او بسیاری از دانشمندانی که در این عصر قرار گرفته بودند نیز شرح حال کاملی از مراحل تحصیلی آنها در دست نیست، در اینجا به شرح حال چند نفر از مشایخ ایشان که باقی مانده می‌پردازیم:

۱ – عالم جلیل القدر شیخ حسین ماحوزی بحرانی،

که یکی از مفاخر عالم تشیع بود و مورد توجه و مورد توجه علماء و دانش‌پژوهان عصر خود واقع شد و حدود نود سال عمر نمود. در حالی که هیچ گونه تغییری در ذهن و حواس وی حاصل نگردید.
علامه خواجویی از ایشان اجازه روایتی دارد. (۱۴)
لازم به ذکر است که مرحوم محدث جلیل القدر حاجی نوری در خاتمه مستدرک، سلسله‌ی اجازات بزرگان را به علامه خواجویی و سپس به مرحوم شیخ حسین ماحوزی می‌رساند. (۱۵)

۲ – عالم وارسته شیخ محمد جعفر بن محمد طاهر خراسانی اصفهانی

، صاحب کتاب «الاکلیل» و تألیفات گوناگون دیگر. او در سال ۱۰۸۰ ه. ق متولد شد و در علم رجال و درایه سر آمد عصر خود

بوده است، مرحوم محقق خوانساری در روضات احتمال داده است که علامه خواجویی در علوم رجال و درایه نزد ایشان تحصیل کرده باشد. (۱۶)

۳ – علامه بهاء الدین محمد اصفهانی مشهور به فاضل هندی

متوفای ۱۱۳۷ ه. ق که از چهره‌های برجسته‌ی علمی عصر خود بوده و بعید نیست که علامه خواجویی در علم منقول از ایشان بهره‌مند باشند.

۴ – حکیم متأله محمد صادق اردستانی.

۵ – حکیم متأله ملا حمزه گیلانی

، که در این دو بزرگوار اخیر از مشاهیر و علمای عصر خود در علم معقول بوده‌اند. (۱۷)

۶ – سید رحیم عقیلی (رحیم بن الامیر مؤمن العقیلی الاستر آبادی).

محق خواجویی در یکی از رساله‌های خود به یکی از اساتیدش اشاره کرده که زمانی نزد او به دانش اندوزی مشغول بوده ولی بعدها به سبب اختلاف مشرب با او، از او فاصله گرفته است. (۱۸)

طبقه اساتید

اشاره

با وجود این که در منابع نامی از اساتید محقق خواجویی برده نشده، اما خوشبختانه دو تن از معاصران ایشان به تفصیل اساتید خود را ذکر کرده‌اند. آنان اساتید شاخص دورانی هستند که محقق خواجویی در آن به تحصیل پرداخته است.

اساتید حزین لاهیجی

شیخ محمد علی حزین لاهیجی، ادیب و شاعر دانشمند، یکی از معاصران محقق خواجوییست که تا قبل از فتنه‌ی افغان تحصیلات خود را در اصفهان، به پایان رسانده است. وی در تاریخ و سفرنامه‌ی خود به تفصیل از اساتید و معاصران خود به شرح زیر یاد کرده است. که عبارتند از:

۱ – میرزا ابوطالب لاهیجی؛
۲ – مجتهدالزمان آقا هادی مازندرانی (متوفای ۱۱۲۰ ه. ق)؛
۳ – فاضل نحریر میرزا کمال الدین حسین فسوی؛
۴ – قدوه الحکماء شیخ عنایت الله گیلانی؛
۵ – سید المتبحرین امیر سید حسن طالقانی؛
۶ – فاضل محقق میرزا محمد طاهر قائینی.

اساتید میرزا ابراهیم قاضی خوزانی

۱ – کمال الدین محمد فسوی؛
۲ – محمد شفیع جیلانی؛
۳ – سید ناصر الدین احمد مختاری؛
۴ – محمد جعفر کشمیری؛
۵ – حاج محمد نصر گلپایگانی؛
۶ – مولی علی نقی خبّاز؛
۷ – شیخ محیی الدین حویزی؛
۸ – حاج محمد اسماعیل خاتون آبادی. (۱۹)

از اساتید دیگر وی سید محمد حیدر عاملی ذکر شده است. (متوفی ۱۱۳۹ ه. ق) می‌باشد صاحب تفسیر انیس سلطان المؤمنین. (۲۰)

زمانه

به نوشته استاد جلال الدین همایی: ظهور وی با سخت‌ترین ایام پر حادثه اصفهان از فتنه شوم افاغنه تا دوره زندیه مصادف بود که هزاران عالم دانشمند با خروارها آثار علمِی و ادبی چنان محو و نابود شدند که نام و نشانی از آنها باقی نماند. حیات این مرد در آن دوره بـا اشتغال و استغراق در کارهای علمی از عجایب قدرت الهیست که چراغ وجود او را در تندباد حوادث نگاه داشت تا پرتو علوم و معارف اسلاف را به اخلاف رسانید و هر چه از آثار علوم عقلی و نقلی بعد از دوره فترت می‌بینیم از برکات وجود وی و دست پروردگان و تلامیذش از قبیل آقا محمد بید آبادی و ملامحراب گیلانی و میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی و ملا مهدی نراقی و امثال ایشان است. (۲۱)

علامه خواجویی در برخی از آثار خود به عدم وجود مجتهد در روزگار خود در اصفهان اشاره کرده و اجتهاد معاصرین خود را که مبادرت به دادن فتوا یا قضاوت کرده‌اند نفی می‌کند. وی در مواردی به برخی از معاصران خود اشاره نموده و تعریضاتی به آنان دارد و در یک مورد در حاشیه به نام دو تن از آنان تصریح نموده است.

او در آغاز رساله تزویجیه از این که یکی از قاضیان، دختری را بردی که قبلًا با مادر آن دختر زنا کرده عقد نموده بر آشفته و او و سایر قاضیان زمان خود را مشمول حدیثی می‌داند که قاضیان را به سه گروه تقسیم کرده و هر سه را اهل آتش می‌داند. (۲۲)

معاصران

زمانه‌ای که علامه خواجویی در آن به سر می‌برد دورانی حساس و پر مخاطره بود؛ چرا که در اثر فتنه‌ی افغان چراغ علم و حکمت در شهر اصفهان به خاموشی گرایید و پس از رفع شر آنان از این شهر، در اثر مساعی محقق خواجویی و معاصرینش، حیات دوباره‌ای به پیکره‌ی علم و دانش دمیده شد. مهم‌ترین رجال معاصر علامه در اصفهان عبارتند از:

۱ – حاج اسماعیل اصفهانی خاتون آبادی
۲ – مولا محمد جعفر کرباسی.
۳ – میر محمد حسین خاتون آبادی.
۴ – سید صدرالدین رضوی قمی.
۵ – میرزا محمد رحیم سبزواری.
۶ – شیخ محمد بن محمد زمان کاشانی.

۷ – میرزا ابراهیم قاضی خوزانی.

۸ – ملا محمد مهدی هرندی.

۹ – میرزا محمد تقی الماسی.

۱۰ – شیخ زین الدین خوانساری.

۱۱ – سید ماجد کاشانی (۲۳)

شاگردان

اشاره

در محضر مبارک محقق خواجویی فضلی زیادی گرد آمده و به استفاضه از او می‌پرداختند. وی بسیاری از رسائل و آثار فقهی خود را به درخواست شاگردانش به رشته تحریر در آورده است. از این رو در آثار فقهی او که در سال‌های ۱۱۵۶ ه. ق به بعد تألیف شده اشاره به شاگردان یا دوستانش دیده می‌شود که از او درخواست تألیف رساله و بیان نظریات فقهی‌اش را خواستار شده‌اند.

اینک نام بعضی از شاگردانش را در اینجا می‌آوریم:

۱ – عالم جلیل القدر و سالک مدارج علم و کمال علامه ملا مهدی نراقی، صاحب کتاب «لوامع» و «مشکات العلوم» و «جامع السعادات» و غیر آن.

مرحوم ملا مهدی نراقی اکثر مراحل تحصیلی علم را نزد علامه خواجویی گذرانده و مدت سی سال در محضر پر فیض وی شب و روز سپری نمود. بعد از طی مراحل تحصیل در اصفهان به کاشان مراجعت کرد. در آن زمان شهر کاشان از علما و دانشمندان خالی بود. به برکت وجودش شهر کاشان مملو از علماء و بزرگان گردید. در سال ۱۲۰۹ ه. ق در شهر کاشان در گذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. (۲۴)

ایشان از فقهای مبرز شیعه و جامع معقول و منقول که در علم اخلاق سر آمد بوده و کتاب جامع السعادات او در این علم بسیار مشهور است. (۲۵)

۲ – عالم عارف سالک مدارج علم و معنا مرحوم آقا محمد بن مولا محمد رفیع گیلانی مشهور به بید آبادی اصفهانی که از چهره‌های بسیار برجسته‌ی عصر خود در علوم عقلیه بود و در سال ۱۱۹۷ ه. ق در اصفهان وفات نمود تربت پاکش در تخت فولاد اصفهان نزدیک تکیه آقا حسین و آقا جمال خوانساری می‌باشد. (۲۶)

۳ – عارف کامل مولا محراب گیلانی حکیم مشهور و متوفای در سال ۱۲۱۷ ه. ق. (۲۷)

از اعاظم فلاسفه الهی و عالمان عارف که علوم عقلی و نقلی را نزد آقا محمد بید آبادی و دیگران تحصیل کرده و نزد سید قطب الدین محمد نیریزی شیرازی از اقطاب سلسله ذهبیه عرفان آموخته و در تصوف و عرفان چندان مشهور بوده که در بلاد ایران و عراق عرب، عموم فضلا و ارباب سیر و سلوک وی را می‌شناخته‌اند. (۲۸)

۴ – میرزا ابوالقاسم مدرس اصفهانی خاتون آبادی متوفای سال ۱۲۰۲ ه. ق. (۲۹)

عالم جامع مدرس شهیر اصفهان که سال‌ها در مدرسه چهارباغ تدریس پرداخته و اولین کسیست که در اصفهان به لقب مدرس

شهرت یافته است. (۳۰)

۵ – میرزا مهدی خراسانی اصفهانی

از فقهای بزرگ شیعه و شاگردان نامی محضر وحید بهبهانی که در پایان عمر به شهادت نائل گردیده و به شهید رابع ملقب گردید. وی در سال ۱۱۵۲ ه. ق متولد شد. صاحب رُوضاتُ الجَنَّات در کتاب علماء الاسره وی را شاگرد شیخ حسین شهری و محقق خواجویی دانسته است. (۳۱)

وی در ماه مبارک رمضان ۱۲۱۸ ه. ق در مشهد به شهادت رسید.

۶ – میرزا مهدی شهرستانی اصفهانی.

از فقهای بزرگ و شاگردان مبرز محضر علامه وحید بهبهانی که در ایام اقامت در اصفهان از محضر محقق خواجویی و آقا محمد بید آبادی بهره برده است. (۳۲)

۷ – آقا محمد باقر نجفی هزار جریبی

در منتخب معجم الحکماء در صفحه ۵۱ در شرح حال ایشان آمده است که تلمذ نموده در علوم عقلیات در اصفهان از محضر حکیم اسماعیل بن محمد حسین خواجویی. (۳۳)

۸ – میرزا محمد باقر نواب لاهیجی

در منتخب معجم الحکماء در صفحه ۵۱ می‌نویسد: ایشان قرائت کرد در محضر علی بید آبادی گیلانی و اسماعیل خواجویی. از آثارش تفسیر «تحفه الخاقان» و «شرح نهج البلاغه» شهرت دارد. (۳۴)

۹ – سید محمد رضا بهشتی اصفهانی

عالم عامل و فاضل کامل، از علمای بزرگ عصر خود که به نوشته مرحوم سید طه بهشتی: از شاگردان ملا اسماعیل خواجویی بوده است. وی در سال ۱۱۹۵ ه. ق وفات یافت و در تخت فولاد اصفهان جنب دیوار مصلی مدفون گردید. (جمعه سوم جمادی الاول / ۱۱۹۵ ه. ق) (۳۵)

مجموعه‌ای از اجازات داد شده به وسیله‌ی ملا اسماعیل خواجویی نزد یکی از فضلای حوزه علمیه قم موجود است. (۳۶)

آثار علامه خواجویی

اشاره

ملاـ محمد اسماعیل خواجویی دارای تألیفات فراوانی است. او در کلیه‌ی علوم و معارف از خود آثاری جاوید به یادگار گذاشته است.

آنچه قابل توجه است آنکه آثار ایشان عمومًا برخوردار از تحقیق و تدقیق می‌باشد. او در آثارش موضوع مورد بحث را درست نقد و بررسی می‌نماید.

جای بسی تعجب است که علامه خواجویی برخی از این آثار ارزشمند و محققانه را در زمانی تألیف کرده است که علماء و بزرگان دین، مرود هجوم شدید افغان‌ها قرار گرفته بودند و تمرکز حواس و حال تدقیق از میان دانشمندان رفته بود، آنها تنها به فکر حفظ جان، عِرض و ناموس، اولاد و اموال خود بودند. اما در این میان علامه‌ی خواجویی آثار بسیاری گران سنگ و محققانه در کلیه‌ی علوم، از فقه، اصول، حدیث، رجال، حکمت، کلام و غیره از خود به یادگار گذارد و توانست با همت والای خود خلأ تألیف و تحریر را در این دوره فترت پر نماید.

صاحب رُوضاتُ الجَنّات شمار آثار ایشان را صد و پنجاه اثر ذکر کرده است، اما بنا به گفته‌ی صاحب حدیق الشعراء آثار ارزشمند ایشان به سیصد اثر گرانبها می‌رسد و بر اکثر کتب علوم حوزوی حاشیه دارد. متأسفانه بخش مهمی از آثار ایشان به صورت نسخه اصلی باقی مانده و در زوایای کتابخانه‌ها خاک می‌خورد.

استاد همایی می‌نویسد: از مؤلفاتش حدود ۱۵۰ کتاب مختصر و مفصل به فارسی و عربی در فنون مختلف ادب و فقه و کلام و حدیث و غیره باقی مانده که پاره‌ای از آنها به خط خودش که اتفاقاً شیرین و خوش اسلوب می‌نوشته و قسمتی به خطوط دیگران به نظر راقم سطور رسیده اکثر مؤلفاتش انشاء و پر فایده است. (۳۷)

برخی از آثار علامه خواجویی در کتاب الذَّرِیعَۀ و آثار فقهی آن فقیه متبحر نیز در کتاب ارزشمند «مقدمه‌ای بر فقه شیعه» به وسیله محقق ارجمند آقای سید حسین مدرسی طباطبایی معرفی شده است.

خوشبختانه بسیاری از آثار ایشان در کتابخانه‌ها محفوظ مانده است. چنانچه علامه طهرانی درالذَّرِیعَۀ از مجموعه‌ای از رسائل ایشان که در اختیار مرحوم آیت الله خادمی اصفهانی بوده نام برده است. در کتابخانه‌های ملک، آستان قدس رضوی و آیت الله مرعشی نیز مجموعه‌ای از رسائل فقهی و کلامی او وجود دارد.

توسط محقق بزرگوار جناب حجت الاسلام سید مهدی رجایی که کتاب احوال و آثار علا مه خواجویی از او می‌باشد که ایشان حدود هشتاد اثر از آثار گرانبهای علامه را جمع آوری نموده و پس از تحقیق منتشر نموده است که ابتدا آن ۸۰ اثر را همراه با سال چاپ و نشر و سپس بقیه آثار علامه را ذکر خواهیم نمود.

کتبی که چاپ و تحقیق شده

۱ – بشارات الشیعه

یکی از بهترین آثار علامه می‌باشد که دارای تحقیقات و نکات جالبیست در سال ۱۱۵۵ ه. ق تألیف یافته است و این رساله در ۸ فصل می‌باشد.

۲ – ذَرِیعَۀُ النَّجَاۀِ مِنْ مَهَالِکِ تَتَوَجَّهُ بَعْدَ الْمَمَاتِ

در ذکر فضائل حضرت امیرالمؤمنین و ائمه‌ی اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَام و این که ایشان افضل از جمیع انبیاء غیر از پیغمبر آخرالزمان می‌باشند و با آیات و روایات بی‌شماری بر این مطلب استدلال شده است.

۳ – الفوائد فی فضل تعظیم الفاطمیین

رساله‌ایست مبسوط در فضیلت اکرام و ذریه‌ی حضرت فاطمه زهرا سَلَامُ اللهِ عَلَیهَا و این که منتسب به آن حضرت از مادر مستحق خمس می‌شوند و صدقه بر او حرام است.

۴ – رساله منیره الفرقه الناجیه عن غیرهم، رساله‌ایست اعتقادی در بیان برخی از احکام مخالفین شیعه.

۵ – رساله فی تحقیق و تفسیر الناصبی؛

تحقیقیست در معنی ناصبی از جهت لغت و اصطلاح و این که کدام فرق از فرق اسلام محکوم به ناصبی بودن می‌باشد و این که ناصبی بر دو صنف است، صنفی محکوم به قوانین اسلام است و صنفی خارج از اسلام و محکوم به کفر است.

۶ – طریق الارشاد الی فساد امامه اهل الفساد؛ در بیان ادله‌ای بر جواز لعن حقوق اهل بیت عصمت و طهارت عَلَیْهِمُ السَّلَام دلالت دارد.

۷ – رساله أینیّه.

۸ – رساله در توجیه مناظره شیخ مفید؛

رساله مختصریست در توجیه مناظره‌ی شیخ مفید با قاضی عبدالجبار معتزلی در مسألهٔ خلافت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام. (این هشت رساله در مجموعه نخست از رسایل اعتقادیهی نویسنده در سال ۱۴۱۱ ه. ق چاپ و نشر گردیده).

۹ – تذکره الوداد فی حکم رفع الیدین حال القنوت؛

رساله‌ای استدلالی در بیان استحباب رفع یدین در حال قنوت است.

۱۰ – رساله فی شرح حدیث الطلاق بید من اخذ بالیساق؛

رساله‌ایست استدلالی پیرامون روایتی از پیامبر اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و این که آیا وکیل و ولی در طلاق به منزله‌ی زوج می‌باشند یا خیر؟

۱۱ – رساله فی حرمه النظر الی وجه الاجنبیه؛

رساله‌ایست بسیار متقن و متین در عدم جواز نظر به چهره‌ی نامحرم، مگر مواردی که استثناء شده است.

۱۲ – رساله‌ی خمسیه؛

رساله‌ایست مبسوط در بیان احکام خمس و مصارف آن در زمان غیبت و دارای یک مقدمه و ۴ فصل و خاتمه می‌باشد. فصل اول: در اثبات وجوب خمس در این زمان، فصل دوم: در این که قول به سقوط خمس ضعیف است؛ فصل سوم: در این که وصیت به خمس و دفن آن ضعیف است. فصل چهارم: در تعیین کسی که ولایت دارد.

۱۳ – رساله فی اقل المده بین العمرتین؛

رساله‌ایست استدلالی در جواز توالی در عمره‌ی مفرده و مناقشه در اقوال دیگران.

۱۴ – رساله فی الرضاع؛

رساله‌ایست استدلالی در جواز نکاح بین دو خواهر و برادر رضاعی و رد رساله‌ی مولی ابی الحسن فتونی نباطی، که قائل به حرمت

شده است.

۱۵ – رساله فی جواز التعویل علی اذان الغیر فی دخول الوقت؛

رساله‌ایست استدلالی در جواز تعویل بر دخول وقت به هر نشانی که حاصل شود، از اذان مؤذن یا خواندن خروس، یا وقت ساعت و غیر آن، اگر چه علم برای او حاصل نشود.

۱۶ – رساله فی حکم الاستیجار للحج من غیر البلد المیت؛

رساله‌ایست استدلالی پیرامون حدیث منقول در تهذیب از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام درباره‌ی مردی که شخصی را از کوفه نایب گرفت که برای او حج بگذارد و آن شخص از بصره نیت نیابت نمود و امام عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: اشکالی ندارد اگر تمام مناسک حج را آورده باشد.

۱۷ – رساله فی حکم السراج عند المیت ان مات لیلاً؛

رساله‌ایست استدلالی در عدم استحباب روشن نمودن شمع و چراغ در شب اول نزد مرده و این که دلیلی بر استحباب این عمل نداریم.

۱۸ – رساله فی شرح حدیث توضأوا مما غیّرت النار؛

رساله‌ایست استدلالی پیرامون حدیث منقول از پیامبر اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و این که آیا وضو گرفتن با آب گرم شده با آتش جایز است یا خیر؟

۱۹ – رساله فی حکم الغسل فی الارض البارده و مع الماء البارد؛

رساله‌ایست استدلالی پیرامون مسأله مذکور و بررسی جوانب مسأله.

۲۰ – رساله فی افضلیه التسبیح علی القراءه فی الرکعتین الاخیرتین؛

رساله‌ایست استدلالی در بیان افضلیت خواندن تسبیحات اربع در رکعت سوم و چهارم بر خواندن سوره‌ی حمد.

۲۱ – رساله فی تحقیق وجوب غسل المیت؛

رساله‌ای استدلالی و تحقیقی پیرامون مسأله وجوب غسل مس میت.

۲۲ – رساله فی حکم شراء ما یعتبر فیه التذکیه؛

رساله‌ایست استدلالی پیرامون خرید و فروش گوشت و پوست و هر آنچه تذکیه در آن معتبر است.

۲۳ – رساله فی حکم لبس الحریر للرجال فی الصلاه و غیرها؛

رساله‌ایست استدلالی در جواز پوشیدن حریر خالص برای زنان و اطفال و کراهت آن برای مردان مگر در حال ضرورت و جنگ.

۲۴ – رساله فی حکم الغسل الاستبراء؛

رساله‌ایست استدلالی در این حکم غسل جنابت قبل از است برای منی.

۲۵ – الفصول الاربعه فی عدم لسقوط دعوی المدعی بیمین المنکر؛

رساله‌ایست استدلالی در عدم سقوط دعوی مدعی با قسم خوردن منکر، با وجود ان که جماعتی از فقهاء فرموده‌اند که حق او ساقط می‌شود و این رساله در چهار فصل است.

۲۶ – رساله فی وجوب الزکاه بعد اخراج المؤونه؛

رساله‌ایست استدلالی در وجوب زکات غلات بعد از اخراج مؤونه سال و خراج آن است.

۲۷ – رساله فی صلاه الجمعه؛

رساله‌ایست استدلالی در حرمت نماز جمعه و عدم وجوب عینی آن در زمان غیبت و رد بر رساله‌ی الشهاب الثاقب فیض کاشانی به صورت قال اقول. (از شماره‌ی ۹ تا اینجا در مجموعه نخست از رسائل فقهی نویسنده در سال ۱۴۱۱ ه. ق چاپ و نشر گردیده است).

۲۸ – رساله فی شرح حدیث «ما من احد یدخله عمله الجنه و ینجیه من النار»؛

در این رساله اثبات نموده که این روایت از ابوهریره منقول است و این روایت مخالف قرآن کریم و روایات معتبر می‌باشد و مردود و مطروح است.

۲۹ – رساله فی شرح حدیث «لو علم ابوذر ما فی قلب سلمان لقتله»؛

رساله‌ایست بسیار لطیف پیرامون حدیث مذکور و علت قتل.

۳۰ – رساله فی شرح حدیث «اعلمکم بنفسه اعلمکم بربه»؛

رساله‌ایست پیرامون حدیث مذکور از رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و معنی علم و چگونگی معرفت النفس و الرب.

۳۱ – رساله شرح حدیث «لا یموت المؤمن ثلاثه فتمسّه النار الا تحلّه القسم»؛

رساله‌ایست توضیحی پیرامون تحلّه القسم.

۳۲ – رساله شرح حدیث «انّهم یأنسون بکم فاذا غبتم عنهم استوحشوا»؛

رساله‌ایست پیرامون حدیث فوق از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام چگونگی انس گرفتن مردگان با زندگان هنگام حضور زندگان بر سر

آنها و وحشت مردگان هنگام دور شدن زندگان.

۳۳ – رساله شرح حدیث «النظر الی وجه العالم عباده»؛

رساله‌ایست لطیف پیرامون حدیث مذکور در فقیه و مراد زا نظر و عالم در حدیث.

۳۴ – رساله فی تفسیر آیه «فاخلع نعلیک بالواد المقدس»؛

رساله‌ایست لطیف پیرامون حدیث مروی در کمال الدین مرحوم صدوق که از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال نمودند از تفسیر آیه‌ی شریفه که حضرت موسی عَلَیْهِ السَّلَام چه پوشیده بود که مأمور به نزع آن شده بود؟

۳۵ – رساله فی تعیین لیله القدر؛

رساله‌ایست بسیار محققانه و عالمانه پیرامون تعیین شب قدر که اعمال در آن شب مقدر می‌شود، با این که افق در آن شب در اطراف عالم مختلف است و ایشان اختیار می‌نمایند تعیین شب قدر را در آن افق که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارند.

۳۶ – حاشیه بر اجوبهٔ المسائل المنهاییه؛

اصل کتاب از علامه حلی (قدس سره) می‌باشد که جواب سؤالات سید مهنّا بن سنان مدنی را داده و مرحوم خواجویی حاشیه‌ای بر این جواب‌ها دارد.

۳۷ – رساله عدلیه؛

رساله‌ایست مبسوط در معنی عدالت و این که عدالت به چه چیز حاصل می‌شود و چگونه زایل می‌شود و نقد و بررسی کلام فقها در مسأله عدالت و این رساله دارای ۳ باب است، باب اول در تعریف عدالت و ارکان آن، باب دوم: در اخبار داله بر اعتبار عدالت در امام جمعه و جماعت، باب سوم: در بیان این که ادله‌ی اشتراط عدالت در شاهد و راوی.

۳۸ – رساله فی نوم الملائکه؛

رساله‌ایست لطیف پیرامون حدیث مذکور در کمال الدین شیخ صدق (ره) که از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام سؤال می‌شود که آیا ملائکه می‌خوابند؟ حضرت در جواب فرمودند: هیچ زنده‌ای نیست مگر آنکه می‌خوابد.

۳۹ – هدایه لفؤاد الی نبذ من احوال المعاد؛

رساله‌ایست مبسوط و استدلالی در این مسأله اختلافی بین متکلمین و حکماست در این که آیا غیر از خدا، بقیه‌ی موجودات چه مجرد و چه مادی فانی می‌شود یا نه؟ و آیا چیزی با خداوند باقی می‌ماند یا نه؟

۴۰ – رساله فی بیان الشجره الخبیثه؛

رساله‌ایست پیرامون حدیث منقول در تفسیر قمی که از امام محمد باقر عَلَیْهِ السَّلَام سؤال می‌شود از آیه‌ی شریفه‌ی «مثل کلمه خبیثه کشجره خبیثه اجتثت من فوق الارض مالها من قرار».

۴۱ – رساله فی الجبر و التفویض؛

شرحیست لطیف پیرامون کلام حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام در نهج البلاغه «انا لا نملک مع الله شیئًا و لا نملک الا ما ملکنا»، در شرح مبسوط راجع به جبر و تفویض، قضا و قدر و آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، محققانه بحث نموده است.

۴۲ – رساله فی شرححدیث «من احبنا اهل البیت فلیعد للفقر جلبابًا او تجفافًا»؛

رساله‌ایست پیرامون حدیث مذکور که از حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام منقول است در مَحبَّت و موالات اهل بیت عصمت و طهارت عَلَیْهِمُ السَّلَام و معنی فقر.

۴۳ – المسائل الخمس؛

رساله‌ایست علمِی و تحقیقی پیرامون ۵ مسألهٔ حدیثی در مسائل مختلف.

۴۴ – رساله فی تفسیر قوله تعالی: «و کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْمَاءِ»؛

رساله‌ایست پیرامون حدیث مذکور در اصول کافی که از حضرت امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام راجع به این آیه شریف سؤال نموده‌اند.

۴۵ – رساله فی ذم سؤال غیر الله تعالی؛

رساله‌ایست پیرامون حدیثی که در فقیه و تهذیب از حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام از رسول گرامی اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم منقول است که آن حضرت فرمود:
یَا عَلِیُّ لَأَنْ أُدْخِلَ یَدِی فِی فَمِ التِّنِّینِ إِلَی الْمِرْفَقِ أَحبُّ إِلَیَّ مِنْ أَنْ أَسْأَلَ مَنْ لَمْ یَکُنْ ثُمَّ کَان
در این رساله مکاشفه‌ای از نویسنده ذکر می‌شود.
(از شماره ۲۸ تا اینجا در مجموعه دوم از رسائل اعتقادی نویسنده در سال ۱۴۱۱ ه. ق چاپ و منتشر گردیده است).

۴۶ – رساله فی احکام الطاق؛

رساله‌ایست در بیان طلاق رجعی و حقیقت آن و آنکه عقد نکاح چگونه زایل می‌شود.

۴۷ – رساله فی شرح حدیث «لِسَانُ الْقَاضِی بَیْنَ جَمْرَتَیْنِ مِنْ نَار»؛

رساله‌ایست تحقیق پیرامون حدیث مذکور که شیخ طوسی (ره) آن را تهذیب روایت نموده است.

۴۸ – رساله فی ارث الزوجه؛

رساله‌ایست بسیار عالمانه و محققانه پیرامون چگونگی ارث بردن زوج از زوجه و این رساله در یک مقدمه و ۴ فصل و خاتمه

می‌باشد. مقدمه در بیان عام و خاص؛ فصل اول: در بیان آیه شریف: «و لکم نصف ما ترک»؛ فصل دوم: در میراث زوجه با ولد؛ فصل سوم: در میراث زوجه از املاک؛ فصل چهارم: در مراد از ابنا در اخبار و خاتمه در جمع بین اخبار متعارض در مسأله.

۴۹ – رساله فی الحبوه؛

رساله‌ایست استدلالی در ۶ فصل در بیان احکام حبوه و آنچه پسر بزرگ به تنهایی ارث می‌برد.

۵۰ – رساله فی حرمه تزویج المؤمنه بالمخالف؛

رساله‌ایست استدلالی در حرمت تزویج زن مؤمن و شیعه به مرد سنی و مخالف و همچنین حکم تزویج مرد مؤمن و شیعی به زن سنی. این رساله در ۱۳ فصل است.

۵۱ – رساله فی استحباب کتابه الشهادتین علی الکفن؛

رساله‌ایست علمِی و محققانه در این که آیا مستحب است شهادتین و غیر آن بر کفن نوشته شود یا خیر؟

۵۲ – رساله فی حکم التنفل قبل صلاه العید و بعدها؛

رساله‌ایست در بیان حکم نماز نافله و مستحبی خواندن قبل از نماز عید و بعد از آن.

۵۳ – رساله فی بیان عدد الاکفان؛

رساله‌ایست استدلالی در بیان عدد کفن‌ها برای مرده.

۵۴ – رساله فی جواز التداوی بالخمر عند الضروره؛

رساله‌ایست محققانه در این که هنگام ضرورت آیا نوشیدن شراب جایز است؟ این رساله در ۴ فصل است: فصل اول: در بیان آیه‌ی شریفه «انما الخمر و المیسر»؛ فصل دوم: در جواز مداوا نمودن به خمر برای ضرورت؛ فصل سوم: در جواب از مانعین؛ فصل چهارم: در تشخیص ضرورت، این رساله را علامه خواجویی برای سید محمد میر طاهر تألیف نموده است.

۵۵ – رساله فی حکم الحدث الاصغر المتخلل فی غسل الجنابه؛

رساله‌ایست استدلالی در هشت فصل در بیان حکم صادر شدن حدث اصغر در اثناء غسل و این که آیا غسل باطل می‌شود یا خیر؟

۵۶ – المسائل الفقهیه المتفرقه؛

سی مسأله فقهی و غیر فقهی محققانه و عالمانه نقد و بررسی شده است.

۵۷ – رساله فی استحباب رفع الیدین حاله الدعاء؛

رساله‌ایست در بیان استحباب بالا بردن کامل دستها در حال دعا.

۵۸ – رساله فی بیان علامه البلوغ؛

رساله‌ایست علمِی و استدلالی در این که بلوغ در پسر و دختر به چه محقق می‌شود.

۵۹ – رساله فی من ادرک الامام فی اثناء الصلاه؛

رساله‌ایست در حکم کسی که نماز جماعت را در اثنای نماز درک کند.

۶۰ – الرساله الهلالیه؛

رساله‌ایست بسیار عالمانه و محققانه و مبسوط در بیان چگونگی ثبوت هلال اول ماه.

۶۱ – الرساله الذهبیه؛

رساله‌ایست استدلالی در این که آیا جایز است پوشیدن لباس طلا و یا زرباف برای مردان و با آن نماز چگونه است.

۶۲ – الفصول الاربعه فی من دخل علیه الوقت و هو مسافر فحضر و بالعکس و الوقت باق.

۶۳ – رساله فی حکم من زنا بامرأه ثم تزوج بابنتها؛

رساله‌ایست در بیان مسأله مذکور و نقد و بررسی کلام محقق سبزواری که این نکاح را به نحو کراهت تجویز فرموده‌اند.

۶۴ – رساله فی شرایط المفتی؛

مناظره نویسنده است با یکی از اساتید خود که نام وی را نبرده است و این که کسی مستحق منصب افتاء نمی‌شود مگر آنکه جامع جمیع شرایط افتاء باشد.

۶۵ – رساله فی منجّزات المریض؛

رساله‌ایست استدلالی در این که اگر شخصی در مرض موت وصیت نمود آیا وصایای او منجّز است یا خیز؟
(از شماره ۴۶ تا اینجا در مجموعه دوم از رسایل فقهی نویسنده در سال ۱۴۱۱ ه. ق چاپ و منتشر گردیده است).

۶۶ – الاربعون حدیثاً؛

کتابیست بسیار عالمانه و محققانه و جامع می‌باشد و در مسائل مختلف بحث نموده و اکثر مسایل آن فقهی می‌باشد، جوانب هر مسأله را که مطرح نموده نقد و بررسی کامل کرده و حق سخن را ادا نموده است. این کتاب شریف در سال ۱۴۱۲ ه. ق به وسیله انتشارات کتابخانه مرحوم آیت الله خادمی نشر یافته است.

۶۷ – الدرر الملتقطه من تفسیر الآیات القرآنیه؛

کتابیست که این جانب از مجموع آثار علامه خواجویی استخراج نموده‌ام و دارای نکات بسیار ارزشمند تفسیری می‌باشد.

۶۸ – مِفْتَاحِ الْفَلَاحِ و مِصْبَاحُ النَّجَاحِ فی شرح الدعاء الصباح؛

کتابیست بسیار گران قدر در شرح دعای صباح که منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب عَلَیْهِ السَّلَام می‌باشد و شامل مباحث کلامِی و فلسفی می‌باشد. این کتاب را نویسنده در جوانی تألیف نموده و در آخر عمر شریف با اصلاحاتی آن را تکمیل کرده است.
این کتاب در سال ۱۴۱۴ ه. ق به وسیله انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی چاپ و منتشر گردیده.

۶۹ – الفوائد الرجالیه؛

کتابیست بسیار ارزشمند و گران مایه در مباحث رجال و درایه و نقد و بررسی بعضی از مسائل رجالی و سندی. این کتاب بسیار عالمانه و محققانه نوشته شده و مورد توجه شایان دانش‌پژوهان و محققان قرار گرفته است و دارای نکات بسیار ارزشمند رجالی می‌باشد. این کتاب در سال ۱۴۱۳ ه. ق به وسیله‌ی انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی چاپ و منتشر گردیده.

۷۰ – التعلیقه علی مشرق الشمس للشیخ البهایی؛

کتابیست بسیار گران مایه و ارزشمند و تعلیقهایست بسیار عالمانه و محققانه بر کتاب شریف مشرق الشمس تألیف علامه دوران نادره‌ی زمان شیخ بهایی (قدس سره).
این کتاب شریف همچنان در سال ۱۴۱۴ ه. ق همراه با متن محققانه‌ی کتاب به وسیله‌ی انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی چاپ و منتشر گردیده است.

۷۱ – التعلیقه علی مِفْتَاحِ الْفَلَاحِ للشیخ البهایی؛

کتابیست بسیار جامع و دارای نکات ادبی و کلامِی و مبسوط و به راستی یکی از آثار افتخار آفرین علامه خواجویی می‌باشد و مقام علمِی و ادبی خود را در این اثر گرانسنگ به ظهور رسانده و یادگار علیم و ادبی برای مجامع علمی به ودیعه گذاشته است.
این کتاب شریف در سال ۱۴۱۵ ه. ق همراه با متن محققانه‌ی کتاب به وسیله‌ی انتشارات جامعه‌ی مدرسین قم چاپ و منتشر گردیده.

۷۲ – جامع الشتات فی النوادر و المتفرقات؛

کتابیست بسیار ارزشمند شامل مباحث تفسیری، حدیثی، فقهی، اصولی، کلامی، رجالی و ادبی و مباحث گوناگون دیگر و اکثر مباحث آن شرح احادیث دشوار می‌باشد و وجوهی فراوان در معنی احادیث بیان فرموده است و یکی از آثار بسیار جامع و مفید می‌باشد.

۷۳ – رساله اصول الدین مبسوط؛

رساله‌ایست فارسی و مبسوط در بیان مباحث اصول دین برای عموم مردم.

۷۴ – رساله اصول الدین کلیات؛

رساله‌ایست فارسی شامل کلیات مباحث اصول دین می‌باشد.

۷۵ – ترجمه المناظره المأمونیه؛

شرحیست فارسی و بسیار مبسوط و محققانه و عالمانه پیرامون حدیث مناظره‌ی مامون با علمای عصر خود در مسأله اثبات خلافت و امامت و فضایل ومناقب حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام.

این حدیث در کتاب عُیُون أَخْبَارُ الرِّضَا شیخ صدوق (ره) مذکور است و علامه خواجویی آن را بسیار سلیس و روان شرح داده و ادلهی متقنهی دیگر در هر مسأله به رشته تحریر در آورده و یکی از کتابهای ارزشمند در مسأله‌ی اثبات خلافت حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام می‌باشد. این سه رساله‌ی آخر به وسیله‌ی اینجانب در سال ۱۴۱۵ ه. ق چاپ و منتشر گردیده است. (۳۸)

۷۶ – رساله نوروزیه؛

رساله‌ایست فارسی در تعیین روز نوروز و برخی از آداب و اعمال اسلامی در این روز و یکی از آثار بسیار ارزشمندیست که در این موضوع نوشته شده است. این رساله در دفتر چهارم میراث اسلامی ایران به وسیله‌ی کتابخانه‌ی آیت الله العظمی مرعشی نجفی چاپ و منتشر گردیده است.

بقیه آثار ارزشمند محقق خواجویی از قرار ذیل است:

۱ – حاشیه بر تفسیر صافی؛

از فقیه و محدث و حکیم عارف مشهور ملاـ محسن فیض کاشانی، تنها نسخه خطی این اثر پربار که شامل ۳۲۰ برگ است در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. (۳۹)

۲ – حاشیه بر زبده البیان؛

اثر گران قدر فقیه بزرگ شیعه ملا احمد اردبیلی در بحث آیات الاحکام. (۴۰)

این اثر ارزشمند تاکنون به چاپ نرسیده و نسخه‌ای از آن در فهارس معرفی نشده است. به لطف الهی آقای حجت الاسلام قاسم رحیمی در کاوش‌های خود به نسخهی خطی آن در یکی از کتابخانه‌های شخصی اصفهان دست یافت و این نسخه اصل است ولی از ابتدا تا انتها افتادگی داشته و از این رو تاکنون ناشناخته مانده است. (۴۱)

۳ – حاشیه بر مدارک الاحکام؛

اثر فقهی گران قدر فقیه محقق سید محمد عاملی، این حواشی مفصل‌ترین اثر فقهی محقق خواجوییست که در دو جلد تدوین گشته است. جلد اول تعلیقه بر کتاب طهارت و صلات و جلد دم تعلیقه بر کتاب خمس تا حج است و در سال ۱۱۷۲ ه. ق تألیف شده است. (۴۲)

نسخه خطی جلد دوم این کتاب در مرکز احیاء میراث اسلامی قم نگهداری می‌شود ولی متأسفانه از جلد اول آن نسخه کاملی در دست نیست. (۴۳)

۴ – رساله‌ی رضاعیه.

۵ – رساله تحقیق در حدیث سهو النبی و رد صوفیان.

۶ – رساله‌ی بیان اجل محتوم و غیر محتوم.

۷ – رساله‌ی اجوبهٔ مسائل میرزا محمد حفیظ.

۸ – رساله‌ی جواب از بعضس مسائل ضروریه.

۹ – رساله تحقیق درباره‌ی کوه قاف.

۱۰ – رساله اخبار و احوال ابوهذیل علّاف.

۱۱ – رساله وحدت وجود در رد صوفیان.

مراحل استنتاج و تحقیق این هشت رساله از شماره ۴ تا ۱۱ تمام گردیده و آماده چاپ و نشر می‌باشد.

۱۲ – ابطال الزمان الموهوم؛

رساله‌ایست در رد محقق خوانساری و دفاع از سید داماد (قدس سره) این رساله در مجموعه منتخبی از آثار حکمای ایران چاپ شده است.

۱۳ – اثبات الحرکه؛

رساله‌ایست استدلالی در مسأله مذکور، نسخه‌ای از آن در مجموعه‌ای از آثار نویسنده در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۱۱۹۸ وجود دراد.

۱۴ – اصول الدین؛

رساله‌ایست عربی و مبسوط، در رساله‌ی فارسی اصول الدین بدان اشاره نموده است.

۱۵ – الامامه؛

مرحوم صفایی در کتاب «کشف الاستار» (۱ – ۱۳۳) این کتاب را در شهر اصفهان دیده که مانند رسائل متکلمین نوشته شده و نامی از آن در رُوضاتُ الجَنّات / ج ۱ / ص ۱۱۸ و الذَّرِیعَهٔ / ج ۱ / ص ۳۲۱ آمده است.

۱۶ – تبصره الاخوان فی بیان اکبریّه القرآن؛

رساله‌ایست استدلالی در رد برخی از بزرگان عصر نویسنده. این رساله با یک مقدمه و دو فصل و خاتمه مرتب شده است، مقدمه در ذکر رسوم قرآن و تعریفات آن، فصل اول در احادیث وارد شده در باب قرآن از طریق اهل تشیع و تسنن، فصل دوم: پاسخ برخی از شک‌ها و شبه‌ها و خاتمه در جمله‌ای از اخبار.

اصل این رساله به خط نویسنده در کتابخانه‌ی حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (قدس سره) به شماره ۳۰۲۳ موجود است.

۱۷ – جواز القراءه بالقر آت السبع و جواز ملک یوم الدین؛

نامی از این رساله در صفحه اول از «رساله‌ی عدلیه» ذیل فهرست آثار نویسنده آمده است.

۱۸ – الحاشیه علی اربعین الشیخ البهایی؛

در روضات / ج ۱ / ص ۱۱۸ آمده است که: تعلیقات ایشان بر کتاب اربعین شیخ بهایی در حدود هفت هزار بیت است و مشحون است از تحقیقات و نکات دقیق.

۱۹ – الحاشیه علی اصول الکافی؛ نویسنده در رساله‌ی «حکم الغسل قبل الاستبراء و بعدها» به این حاشیه خود اشاره فرموده و ارجاع داده است.

۲۰ – الحاشیه علی تَهْذِیبُ الْأَحْکَام؛

نسخه‌ای از آن را صاحب الذَّرِیعَهٔ / ج ۶ / ص ۵۱ در کتابخانه‌ی سلطان المتکلمین به صورت غیر مدون ملاحظه نموده است.

۲۱ – رساله حد الیأس الحاصل للمرأه؛

نامی از این رساله در صفحه اول رساله‌ی عدلیه در لیست آثار نویسنده به میان آمده است.

۲۲ – الرد علی العالمه المجلسی (قدس سره) فی جرح بعض الرجال و تعدیل بعض؛

این رساله در صحفه‌ی اول رساله‌ی عدلیه در لیست آثار نویسنده ذکر شده است.

۲۳ – سقوط الوتیره فی السفر؛

رساله‌ایست در مسأله نماز وتیره، نام این رساله در صحفه‌ی اول رساله‌ی عدلیه در لیست آثار نویسنده ذکر شده است.

۲۴ – شرح نهج البلاغه؛

در برخی از تراجم بدان اشاره رفته است. شاید علامه خواجویی تنها برخی از فقرات آن را شرح کرده باشد.

۲۵ – رساله فی الصلاه؛

صاحب الذَّرِیعَهٔ این رساله را در کتابهای نوادگان مرحوم یزدی که از اصفهان خریداری شده ملاحظه نموده است.

۲۶ – العقود الفضولی؛

نام این رساله در صحفه‌ی اول رساله‌ی عدلیه در لیست آثار نویسنده ذکر شده است.

۲۷ – الغناء؛

رساله‌ایست استدلالی در حرت غناء و نقد و بررسی کلام محقق سبزواری صاحب ذخیره و کفایه در مسأله حرمت غناء، نامی از آن در الذَّرِیعَهْ / ج ۱۶ / ص ۶۰ و رُوضاتُ الجَنَّات / ج ۱ / ص ۱۱۸ آمده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی دانشگاه تهران موجود است.

۲۸ – افصول؛

رساله‌ایست در مباحث شفعه، این رساله در صفحه‌ی اول رساله‌ی عدلیه در لیست آثار نویسنده ذکر شده است.

۲۹ – فضل ما یؤکل لحمه؛

این رساله در صفحه‌ی اول رساله‌ی عدلیه در لیست آثار مترجم ذکر شده است.

۳۰ – وجیزه فی ترجیح القول بتجوهر الاعراض و تجسم الاعمال. (۴۴)

وفات

محقق خواجویی سر انجام پس از عمری بسیار پربار که در راه کسب معرفت و ترویج دین مصروف شد در سن افزون از هشتاد سالگی چشم از جهان فرو بست و در مزار منور تخت فولاد مدفون گردید. بر سنگ نوشته مزار او علاوه بر متن عربی زیبایی که به بیان مقامات علمِی و معنوی وی پرداخته اشعاری از شاعری با تخلص دبیر آمده است. متن سنگ چنین است:

بِسْمِ اللَّه الرحمن الرحیم الا ان اولیاء الله لا خوفٌ علیهم و لا یحزنون. الْحَمْدُ لِلَّه الذی تفرّد بالعز و البقاء و قهر عبادته بالموت و الفناء و صلی الله علی محمد و آله سادات الوری و بعد فقد ثلم فی الاسلام ثلمةٌ لا یسدها شیءٌ حیث انتقل عن منزل العناء و الشده و محل الفناء و المحنه الی دار القمامه و الرحمه و محفل البقاء و النعمهٔ الامامم الفاضل الکامل العابد العارف العالم العامل الزاهد، زبدهٔ العلماء الراسخین و خلاصهٔ الحکماء المحققین و نقاوهٔ الفقهاء المجتهدین، وارث علوم الانبیاء و المرسلین، اسوهٔ ناشری احادیث خاتم النبیین و عترته الطاهرین، حاوی مآثر الماضین علی النهج المبین و جامع معالم العالمین علی الوجه المتین، فرید العلماء فی عصره و زمانه، زین الفضلاء فی دهره و أاوانه، شمس فلک العلم و الافضال، مرکز دایرهٔ الفضل و الکمال، جامع المعقول و المنقول، حاوی الفروع و الاصول، فخر الواصلین، قطب العارفین، مُرشد السالکین، ابذل المدققین، افضل المحققین، خاتم المجتهدید، العالم الربانی و لفقیه النورانی، مولانا محمد اسماعیل المازندرانی، اسکنه الله فی بحبوحهٔ جنهٔ النعیم و آواه الی مقام امین کریم و قد ارتحل علیه الرحمه و الرضوان فی حادی عشر شهر شعبان و صار من کرامته تاریخ عام رحلته:

نورالله الجلیل مقبرتهٔ

رفع الله فی الجنان منزلته ۱۱۷۳

اللهم اغفر لمحمد حسین.

حیف کز گردش سپهر دو رنگ

صبح عیش جهان به شام رسید

آه کز دور چرخ، دوران را

گشت چون شب سیاه، روزِ سفید

عالمی رخت بر بست از عالم

که چو او دیده زمانه ندید

فاضلی رفت از جهان که چو او

در جهان کس ندید و کس نشنید

گشت یعنی نهان ز چشم جهان

فلک اجتهاد را خورشید

کرد ملا محمد اسماعیل

از جهان جا به جنت جاوید

آن که در بزم معرفت همه کس

میِ عرفان ز جام او نوشید

سال تاریخ او دبیر نوشت:

خانه علم منهدم گردید. (۴۵)

منابع و مآخذ

بزم معرفت (مشاهیر تخت فولاد اصفهان تکیه محقق خواجوی)، رحیم قاسمی ناشر: کانون پژوهش، چاپ اول، ۱۳۸۸ شمسی.

احوال و آثار ملا محمد اسماعیل خواجویی، گرد آورنده: سید مهدی رجایی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۸ ش، انتشارات نقش مانا.

تخت فولاد اصفهان، سید احمد عقیلی، ناشر: کانون پژوهش، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش، با همکاری مجموعه تاریخی و فرهنگی مذهبی تخت فولاد) دانشنامه تخت فولاد اصفهان.

رجال و مشاهیر اصفهان، مؤلف: میر سید علی جناب، تدوین و تصحیح: رضوان پور عصار، ناشر: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل، چاپ اول ۱۳۸۵.

تاریخ اصفهان، (مجلد ابنیه و امارات)، جلال الدین همایی، نشر هما، ۱۳۸۱ ش.

تتمیم الامل الآمل / شیخ عبدالنبی قزوینی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.

پی‌نوشت

(۱) – تخت فولاد اصفهان / ص ۹۴ – ۹۵.

(۲) – تخت فولاد اصفهان / ص ۹۵.

(۳) – حدیقه الشعراء / ج ۲ / ص ۱۰۷۴.

(۴) – گلشن مراد / ص ۳۹۱.

(۵) – بزم معرفت / ص ۲۱.

(۶) – تخت فولاد اصفهان / ص ۹۹ – ۱۰۰ به نقل از حسینی زنوزی، ریاض الجنه / ج ۳ / ص ۷۲.

(۷) – همان / ص ۱۰۰.

(۸) – تذکره القبور / ص ۳۸ – ۳۹.

(۹) – رجال و مشاهیر اصفهان / ص ۲۲۲ – ۲۲۳.

(۱۰) – احوال و آثار علامه محمد اسماعیل خواجویی / صص ۵ و ۶

(۱۱) – تتمیم الامل الآمل / ص ۶۷، احوال و آثار علامه خواجویی / ص ۷ و ۸ و نجوم السماء، مرحوم میرزا محمد علی کشمیری /

ص ۲۶۸ – ۲۶۹.

(۱۲) – رُوضاتُ الجَنّات / ج ۱ / ص ۱۱۴؛ مستدرک الوسایل / ج ۳ / ص ۳۹۶؛ کشف الاستار / ج ۱ / ص ۱۳۲ و احوال و آثار علامه خواجویی / ص ۸ و ۹.

(۱۳) – احوال و آثار علامه خواجویی / ص ۱۹ – ۱۶.

(۱۴) – لؤلؤه البحرین / ص ۶.

(۱۵) – خاتمه مستدرک / ج ۳ / ص ۳۹۶.

(۱۶) – رُوضاتُ الجَنّات / ج ۳ / ص ۲۶۱.

(۱۷) – احوال و آثار علامه خواجویی / ص ۲۵ – ۲۶.

(۱۸) – بزم معرفت / ص ۲۴.

(۱۹) – بزم معرفت / صص ۲۸ – ۳۵.

(۲۰) – همان / ص ۳۸.

(۲۱) – تاریخ اصفهان، فصل تکایا و مقابر / ص ۳۳۲.

(۲۲) – بزم معرفت / ص ۴۹؛ به نقل از الرسائل الفقهیه / ج ۲ / ص ۴۴۹.

(۲۳) – بزم معرفت / ص ۶۲ – ۵۰.

(۲۴) – احوال و آثار علامه خواجویی / ص ۲۷.

(۲۵) – بزم معرفت / ص ۶۴.

(۲۶) – احوال و آثار علامه خواجویی / ص ۲۸.

(۲۷) – همان / ص ۲۸.

(۲۸) – بزم معرفت / ص ۶۶.

(۲۹) – احوال و آثار علامه خواجویی / ص ۲۸.

(۳۰) – بزم معرفت / ص ۶۳.

(۳۱) – همان / ص ۶۶.

(۳۲) – همان / ص ۶۷.

(۳۳) – همان / ص ۶۹.

(۳۴) – همان / ص ۷۰.

(۳۵) – همان / ص ۷۰.

(۳۶) – احوال و آثار علامه خواجویی / ص ۲۸.

(۳۷) – تاریخ اصفهان / ص ۳۳۳.

(۳۸) – احوال و آثار علامه خواجویی / ص ۶۳ – ۵۱.

(۳۹) – بزم معرفت / ص ۷۵؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلسی / ج ۳۸ / ص ۶۱۲.

(۴۰) – احوال و آثار علامه خواجویی / ص ۶۶؛ در رُوضاتُ الجَنّات / ج ۱ / ص ۱۱۸ نامی از آن آمده است.

(۴۱) – بزم معرفت / ص ۷۵.

(۴۲) – فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی / ج ۵ / ص ۱۱۱.

(۴۳) – بزم معرفت / ص ۷۵.

(۴۴) – آثار و احوال علامه خواجویی / ص ۶۷.

(۴۵) – احوال و آثار علامه خواجویی / ص ۸۴؛ بزم معرفت / صص ۸۷ و ۸۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹